

دانشجوی امروز معلم فردا

شماره مجوز: ۵۱۰۰۱/۳۴۰/۴۲۱/د

۶

نشریه علمی، فرهنگی و سیاسی دانشجوی امروز، معلم فردا

سال اول / شماره ششم / دی ماه ۱۴۰۰

در مسیر تربیت

چند راهکار اثربخش برای
کلاس‌های چندپایه / صفحه ۱۲

به یاد حاج قاسم

ویژه سالگرد شهادت شهید سلیمانی / صفحه ۲۰

۲

رهبر
دوازده ساله

۴

امتحانات
سخت ممتنع

۷

دانشجویی
یعنی حرکت!

فهرست مطالب:



شناسنامه نشریه



نشریه علمی، فرهنگی و سیاسی دانشجوی امروز، معلم فردا

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان شهید باهنر بیرجند

مدیر مسئول: امیر عربی سردبیر: مهدی عرب شوشک

گرافیکست و صفحه آرا: سیدصادق حسینی

هیئت تحریریه:

سیدحسین طالبی، علیرضا احمدی، امیرحسین شهابادی، مهران طالبی، علیرضا بذرگری،
مصطفی عباسجو، عمران کمال پور، حمید زنگوئی، سعید حسینی، حسین احمدی پور،
علی جان نثارمقدم، محمدجواد رضوانی، ابوالفضل جلالیان، مهران شعبیعی

ویراستار: مهران طالبی

۱ سخن سردبیر

۲ رهبر دوازده ساله

۴ امتحانات سخت ممتنع

۶ سیزدهم آبان ماه

۷ دانشجویی یعنی حرکت

۸ من دیگر خجالتی نیستم

۱۰ بسیج لشکر مخلص خدا

۱۱ تنها مدرس

۱۲ در مسیر تربیت

۱۴ زندگی به سبک شهدا

۱۶ اهمیت دانش آموز

۱۸ مصاحبه دانشجویی

۱۹ توئیت گردی

۲۰ به یاد حاج قاسم

۲۲ کافه کتاب

۲۳ کافه سینما

۲۴ ناله‌ی دردها

رسانه ما در فضای مجازی



@skh_cfu

سخن سردبیر

در میان افکارم بودم که ناگهان مادرم پاییز کوله بارش را بست و برگ های طلایی رنگش را یک به یک بوسه زد و در آغوش گرفت، دلتنگی های غروب را در چمدانش گذاشت و آهسته رفت؛ چیزی نگذشت که یلدا مهمان خانه ما شد. شیرینی هندوانه و طعم ملس انار هنوز در ذهنم جا نیفتاده بود که به یادت افتادم ۱۸ سالگی دردهایت کلافم کرده است مادر هنوز که هنوز است رابطه ام با در خوب نشده است، هنوز در خاطرم تکرار می شود یک فاطمیه با طعم درد.

نشریه دانشجوی امروز و معلم فردا خدمت همه دانشجویان بزرگوار و آینده ساز عرض ادب و احترام دارد. در واقع این جا جایی برای ثبت اندیشه هایی است که سال هاست مهمان ذهن های شماست. پس اگر هر توان مندی در هر زمینه ای در خود می بینید. ما آن را شکوفا می کنیم.

مانا باشید به عنایت بی انتهای حضرت عشق. زیر سایه سار دامن پر مهر حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها.

با تقدیم و احترام

مهدی عرب شوشک



رهبر دوازده ساله

گر برود جان ما در طلب وصل دوست
حیف نباشد که دوست، دوست تر از جان ماست

آیا تا به حال در جایگاه يك معلم، به «مفهوم فهم» فکر کرده اید؟ درك کردن، آگاهی یافتن و مطلع شدن یکی از بزرگترین نعمت‌های الهی و همچنین یکی از بزرگ‌ترین لذت‌های هستیست؛ شناخت و فهم یعنی زندگی، یعنی قدرت، یعنی عزت و افتخار و این یعنی رسالت اصلي يك معلم، پرورش انسان‌های فهمیده است. فرقی نمی‌کند معلم ابتدایی باشید یا معلم ریاضی و ادبیات، پروراندن فهمیده‌ها یکی از بزرگ‌ترین وظایف شماست.

عاقلان نقطه پرگار وجودند ولی عشق داند که در این دایره سرگردانند
زاهد ار رندی حافظ نکند فهم چه شد دیو بگریزد از آن قوم که قرآن خوانند

از نظر ابن سینا هر يك از ممکنات هستی به واسطه حقیقت وجودش، همیشه مشتاق کمالات و خیرات است و بر حسب فطرت خود از بدی‌ها گریزان و همین اشتیاق ذاتی و ذوق فطری که سبب بقای ممکنات و مخلوقات است را «عشق» می‌نامیم.


و چقدر عالی می‌شود که انسان در کنار فهمیده بودن عاشق هم باشد. سرمنشأ قدرت و جسارت محمد حسین فهمیده را می‌توان در شناخت و ادراك او جست و جو کرد؛ از آن جا که می‌گوید: «من طلب وجدني و من وجدنی عرفنی



و من عرفنی عشقنی»، هرکس من را طلب می‌کند می‌یابد مرا، و کسی که مرا یافت می‌شناسد مرا، و کسی که من را دوست داشت، عاشق من می‌شود؛ محمد حسین فهمیده ابتدا فهمید بعد عاشق شد و بعد هم به هدف و سرمنزل مقصودش رسید؛ در واقع این شهید والا مقام می‌تواند الگویی عالی برای ما معلمان هم باشد، اول باید فهمید و بعد فهمیده شد، نباید انتظار داشته باشیم که بتوانیم بدون درک و شناخت، مطلبی را به دیگران بفهمانیم، دیگران را به درک وا داریم یا حتی به آن‌ها چیزی یاد بدهیم.

باید یاد بگیریم که گاهی اوقات یک نوجوان سیزده ساله می‌تواند کتاب و مرجع یا حتی رهبر شود، دانش آموزان زیر دست شما هر کدام دریایی از تفکر، تعمق و اندیشه هستند و تک‌تکشان توانایی و پتانسیل فهمیده شدن را دارند، چقدر عالی می‌شود که بفهمیم که باید آن‌ها را جدی بگیریم، به اندیشه‌هایشان پرو بال بدهیم و در دریای افکارشان غرق شویم تا بتوانیم امثال فهمیده‌ها را آموزش دهیم و تا حد توان رسالت خود را انجام دهیم.

به قول محمد حسین فهمیده: (بحق که خداوند به کسانی که در راه او پیکار می‌کنند پاداش عظیم می‌بخشد.) به امید اینکه بفهمیم و فهمیده شویم و بفهمانیم و در نهایت به غایت القصوا و هدف خود برسیم.

سید حسین طالبی 



امتحانات سخت ممتنع!



امتحانات پایان ترم نزدیک است. حالتان را نمیدانم. حالا که امتحان این ترم هم مجازی است، شاید برایتان سوال شود: «آن زمان‌ها که حضوری بود، امتحانات چگونه بود؟». من روایت میکنم اکنون...

شب سرد زمستانی. بیرجند، دی ماه ۱۳۹۸.

وارد خوابگاه که شدم، انبوهی از دانشجویان را مشاهده کردم که به کسب فریضه علم مشغول بودند. اگر شما هم جای من بودید، از تعجب شاخ در می‌آوردید. بله، دانشجویانی که در طول ترم به هرکاری و چیزی اهتمام داشتند جز تحصیل، اینک بچه خوبی شده و ساکت عین بچه آدم! درس می‌خواندند. به سمت اتاق خویش شتافتم. از میان افرادی که به دیوار سرد خوابگاه تکیه داده بودند و سر در جزوه خویش، به تمنای نمره قبولی بودند، عبور کردم.


در اتاق را که گشودم، منظره آن می‌خکوبم کرد. اتاق ساکت، شلوغ و آشفته بود. کاغذ جای جای اتاق را اشغال کرده بود. به راستی که جای سوزن انداختن هم نبود. به سختی به تخت خود رسیدم. همه غرق در مطالعه بودند. من خودم از آنها بهتر نبودم. دویست صفحه از کتاب روی دستم باد کرده بود و چهار ساعت زمان داشتم. هیولای خواب نیز بر سرم آوار شده بود. مچش را خواباندم. هر صفحه که می‌خواندم، انگار یکی از دروازه های چین را می‌گشودم. تیمور کجاست که فتح چین را ز من آموزد؟

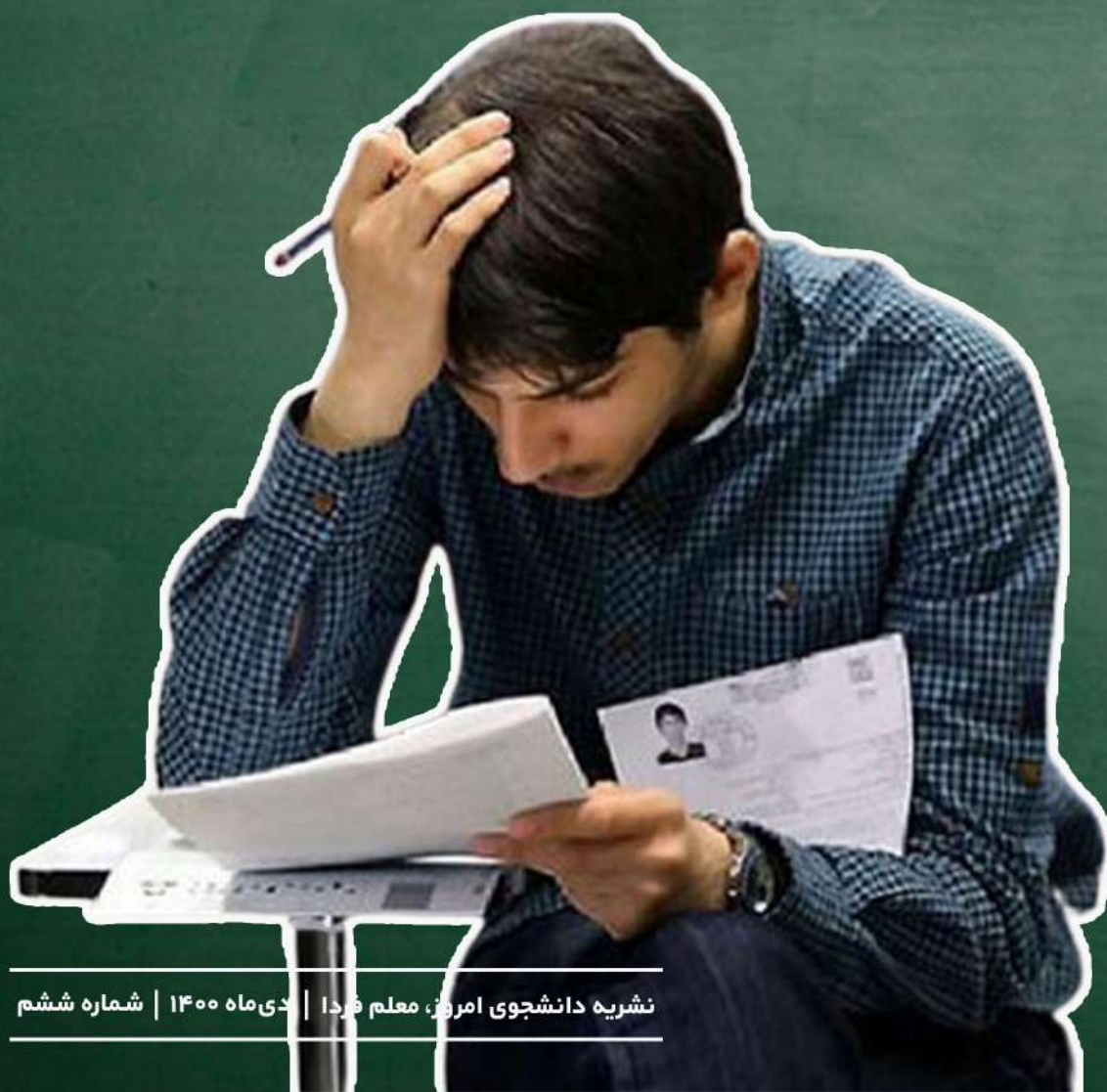


چهار ساعت مثل برق و باد گذشت و من با چهره‌ای سرشار از غرور و افتخار، به اطراف نگریستم. وضع اطرافیان ای کاش در وصف می‌گنجید! یکی به امید ایجاد یک شاهکار ادبی در برگه امتحان، دل به گوشی خویش بسته و مانند عاشقی شیدا محو جمال معشوق خویش گشته بود. دیگری نمی‌دانست از کجا بخواند، چه بخواند و چگونه بخواند. دیگری از وضعیت اتاق که شبیه سالن غذاخوری کتابخانه شده بود آشفته و آخری نیز، بعد از اندکی علم آموزی، مایوس به لپتاب خویش روی آورد و دوستان را به صرف یک فوتبال ویدئویی دعوت کرد و دوستان تشنه نیز، دعوت او را اجابت کردند.

روز امتحان اما فضای دیگری حاکم بود. پشت در ورودی، محل تجمع ما بود. حال یکدیگر را درک می‌کردیم اما به رو نمی‌آوردیم. باتجربه‌ها می‌گفتند: شما سوالی را بی جواب نگذارید، استاد خویش هوای شما را دارد. ما که ترمکی بودیم و از امتحانات دانشگاه چیزی سرمان نمی‌شد، هر بار در سالن امتحان شگفت زده میشدیم. سوالات سخت ممتنع اساتید را کجای دلمان می‌گذاشتیم؟ خبری از نوشیدنی و خوراکی نبود. مسئولان ما را در برابر این حجم از سختی‌ها و مشکلات تنها گذاشته بودند. به دیگران کاری ندارم اما خودم هنوز نمیدانم که چه کردم و چه نوشتم. قضاوت باشما!

اینها را گفتم تا بدانید آن روزها که همه چیز حضوری بود، امتحانات چطوری بود...

علیرضا احمدی 



کتابخانه

امیرحسین شهابادی

سلام بر ۱۳ آبان، روزی که ملت ایران با عشق و ایمان به آرمان خویش، همه قدرتهای استکباری را به سخره گرفت و شکوه پوشالیشان را پایمال کرد. در سیزدهم آبان، دانشجویان پاک سرشت، در سالگرد شهادت دانشآموزان و تبعید سر سلسله بیداردلان حضرت امام خمینی(ره)، مردانه بر دیو پلید طاغوت تاختند و لانه فساد را درهم کوبیدند. در پرتو آموزه‌های امام، نوجوانان روزهای انقلاب و دانش‌آموزان روزهای پرشور مبارزه و حماسه، از راهپیماییها، مبارزه‌ها و شعارها بیش از درس‌های مدرسه، درس آموختند، از این رو، برای فراگیری بیشتر، در روز ۱۳ آبان سال ۵۷ مدارس را تعطیل کردند و راهی دانشگاه تهران شدند. در آن روز، دانش‌آموزان مسلمان ایرانی در خون خود وضو گرفتند، به امام خود اقتدا کردند، در قیام نماز، تنها خدا را بزرگ و لایق بزرگی خواندند و نمازشان را رودرروی معبود و در بهشت او سلام دادند. روز ۱۳ آبان، روز دانش‌آموز نیز هست؛ زیرا ۴۳ سال پیش در چنین روزی، دانش‌آموزان انقلابی توانستند دانش و آموزندگی را با حماسه و دلیری پیوند دهند و غبار خودباختگی را از سیمای مدرسه بروبند. در آن روز، راه مدرسه تا خیابان، چنان پیموده شد که رزمندگان بی‌باک، جبهه‌ها را در می‌نوردند و در برابر آتشبار ستم، صف‌آرایی می‌کنند؛ آرایشی نظامی با سلاحی که کتاب نام داشت. در سیزدهم آبان، دانشجویان و دانش‌آموزان ایرانی در قله سربلندی، با سینه‌هایی به پهنای دشت‌های کویری، آشیانه فساد و لانه جاسوسان را از هم گسیختند. آن روز، دانشگاهیان دین باور، به پیروی از امام نور، دیواره‌های تاریک نفاق و خیانت را فرو ریختند و شمعی فروزانتر از شمع نخست افروختند.

نتصرف سفارت آمریکا در تهران و به گروگان گرفتن ۶۶ دیپلمات آمریکایی که از ۱۳ آبان ۱۳۵۸ تا ۳۰ دی ۱۳۵۹ ادامه داشت با پذیرش قرارداد الجزایر از سوی دولت‌های ایران و آمریکا به پایان رسید و سرانجام گروگانهای آمریکایی در بند دانشجویان آزاد شدند. در جریان اشغال سفارت، کارمندان سفارت تلاش کردند مدارک و اطلاعات محرمانه را از بین ببرند، اما دانشجویان پیرو خط امام توانستند بخش اعظمی از این اطلاعات را بازیافت کرده و حدود ۷۰ سند محرمانه که نشان دهنده خباثت‌های دولت آمریکا علیه ملت ایران و فعالیت‌های مخفی سازمان اطلاعاتی آمریکا در ایران بود را فاش کنند، امام خمینی(ره) از این اقدام دانشجویان به عنوان انقلاب دوم یاد کردند. تسخیر لانه جاسوسی آمریکا بر سیاست خارجی ایران آمریکا، وضعیت بین‌المللی واشنگتن و بر صحنه داخلی ایران، آثار مهمی بر جای گذاشت. برای مثال، روابط ایران و آمریکا را به تعطیلی کشاند، انتشار اسناد جاسوسی به دست آمده از لانه جاسوسی، چهره جهانی آمریکا را مخدوش کرد. همچنین، صحنه داخلی ایران به سود نیروهای ارزشی و مواضع امام(ره) تغییر کرد و چهره‌ای جدید به خود گرفت. این روز با شکوه که یادآور حماسه‌ها و فداکاریهای دانشجویان ایرانی است «روز ملی مبارزه با استکبار جهانی» نام‌گذاری شد تا خاطره آن فرزندان دلیر انقلاب برای همیشه جاودان بماند.

اینک ما مانده‌ایم با خاطرات آن روزها و می‌دانیم امروز اگر در سایه آرامش و امنیت راحت نشسته‌ایم، مدیون استقامت شهیدانی هستیم که در آشوب ظلمت چیره، شب رفتند تا ایمان خفته انسان را به سامان صبح برسانند.



دانشجویی یعنی

حرکت!


مهران طالبی 

ولی دانشجویانی هستند که به دنبال حق از راه حق هستند. هدف وسیله را توجیه نمی‌کند. تنها از راه دانش می‌توان به دانش رسید. حال این تویی که باید انتخاب کنی هدف تو چیست. و برای آن بجنگی. از همان ابتدا دانشجو بودن با مبارز بودن عجین بوده. از محاکمه سقراط تا منصور حلاج. از بزرگ‌نیا و قندچی و شریعت‌رضوی تا دیالمه. همگی اهل حرکت و جنبش بوده‌اند. جنبشی که دانشجویی را از صرفا درس خواندن خارج می‌کند. اگر به دنبال دانش و حق خود نباشیم ما نیز بعد این چند سال مثل میلیون‌ها نفر دیگر در سیاهچال تاریخ گم خواهیم شد و ردی از ما بر پهنه گسترده تاریخ نخواهد ماند. حالا بگو که برای مبارزه آماده‌ای؟ آیا می‌توانی اسم خودت را دانشجو بگذاری وقتی دارند حقت را پامال آمال خویش می‌کنند؟ سلاح دانش را به دست توانایت بگیر و به جنگ نادانی و خرافات برو. تا آیندگان به خوبی از تو یاد کنند و در بهشت همنشین خوبان و حق‌طلبان باشی. فرصت کم است. حرکت کن!

نیازی به مقدمه چینی نیست چون طولی نکشید تا فهمیدم از همان دم که قدم در دانشگاه می‌گذاری مبارزه‌ی تو آغاز شده است. می‌فهمی دانش سلاح توست و جهل دشمنت. ولی دانش آیا فقط این جزوه و کتاب‌هاست؟ معیار دانش چیست؟ اصلا خود دانش چیست؟ من چرا به دانشگاه آمده‌ام؟! اگر معدل خوبی داشته باشم یک دانشجوی موفق هستم؟! و ...

این حجم سوالات ذهنت را مشوش و سنگین می‌کنند. می‌فهمی مبارزه خیلی وقت است که شروع شده. می‌توانی به در بیخیالی بزنی و گوشه‌ای به درس خود مشغول شوی. اما خودت را نمی‌توانی گول بزنی. دانش جستنی است. چه در کتاب باشد چه در کارگاه‌ها و ها و کانون‌ها و تشکل‌ها و هرجای دیگر، در ابتدا آزمودنی است. باید تجربه کرد و به دست آورد. گوشه نشینی و نارضایتی بسیار بسیار ساده‌تر است از حرکت و جنبش و تجربه. دانشجویهای زیادی دیده‌ام که مدام دهان اعتراض به وضع موجود دانشگاه باز دارند و انگشت اتهام سوی دیگران.

هن دیگر خجالتی و کم رو نیستم

علیرضا بذرگری 

بسیاری از کودکان و دانش آموزان از اینکه در جمع حاضر شوند یا بخواهند صحبت کنند واهمه دارند و حتی خود را پشت سر دیگران پنهان کرده یا سعی می کنند گوشه گیری پیش بگیرند و از جمع بدور باشند.

در اینجا به چند راه حل ساده برای رفع کم رویی و خجالتی بودن دانش آموزان می پردازیم:

(۱) ایجاد اعتماد: اولین و مهم ترین کاری که هر معلم باید برای رفع خجالتی بودن دانش آموز خود انجام دهد برقراری رابطه دوستانه و ایجاد حس اعتماد نسبت به معلم در دانش آموز هست.

(۲) شرکت در مهمانی ها: می توان از والدین دانش آموز خواست که فرزند خود را به مهمانی ها و دورهمی های خانوادگی بیشتر ببرند و از او بخواهند که با بچه های فامیل بازی کند. به مرور از فامیل بخواهند با او دوست شوند و با او صحبت کنند.

(۳) ایجاد اعتماد به نفس: یکی از مهمترین راهکارها، ایجاد اعتماد به نفس در دانش آموز هست. بدان معنا که او نسبت به توانایی های خود اطمینان و اعتماد کسب کند. برای این کار می توانیم او را به عنوان نماینده ی کلاس، سرگروه درسی یا دستیار معلم قرار دهیم.





۴) پرسش کلاسی: از دانش آموز در کلاس درس سوال بپرسیم و در صورتی که پاسخ درست داد به همراه دانش آموزان او را تشویق کنیم و در صورت دادن پاسخ نادرست او را به سمت پاسخ درست هدایت و تشویق کنیم.

۵) عدم تمسخر در کلاس: از دوستان و همکلاسی های او بخواهیم بجای تمسخر او در کلاس درس او را مورد تشویق قرار دهند.

۶) اعطای جایزه: در صورتی که دانش آموز در فعالیت های کلاسی خوب عمل کند و پیشرفتی در کاهش کمرویی او دیده شود او را مورد تشویق همگانی قرار داده و به او جایزه ای داده شود و بهتر است این جایزه در صف مدرسه به او داده شود.

۷) دوست یابی: از او بخواهیم که با یک یا دو نفر از همکلاسی های خود دوست شود و سعی کند دوستی خود را با آن ها ثابت نگه دارد. همچنین از طرف دیگر معلم می تواند از تعدادی از دانش آموزان بخواهد که با او رابطه ی دوستی برقرار کنند و سعی کنند که او را تشویق به صحبت کردن و بیان نظر در بین خودشان بکنند.

۸) بیان ایده و نظر: معلم موضوعی را در کلاس مطرح کند و از دانش آموزان کلاس بالاخص دانش آموز کم رو بخواهد که نظر خودش را در مورد آن بیان کند و پس از بیان نظر دانش آموز، معلم از نظر او تقدیر و تشکر و تعریف کند.

۹) کمک به مدیر: می توان از مدیر مدرسه خواست که از او در انجام کار های دفتری و اداره مدرسه کمک بگیرد.

۱۰) باز: معلم می تواند بازی های گروهی را تدارک ببیند که دانش آموز در آن فعال باشد و بهتر است که در این بازی ها، علاوه بر فعال بودن دانش آموز در انجام کارها، بازی او را به صحبت کردن وادارد.



بسیج لشکر مخلص خداست

بسیج لشکر مخلص خداست به راستی که این جمله شایسته‌ی این نهاد مقدس است لشکری مخلص برای کمک به بندگان خدا به راستی که بهشت برای این جان برکفان واجب است بسیج همواره نشانه‌ی شجاعت، امنیت و صلابت این مرز و بوم بوده و این جان برکفان همواره خود را خدمتگزار مردم می‌دانند و در راه حق جهاد میکنند. جهادی پاک صالح و مملو از عشق و سرشار از خلوص نیت به راستی که این مکتب از الطاف الهی سرچشمه می‌گیرد و همچون رودی خروشان در رگهای خشک این سرزمین جاری می‌شود و به هر جا که می‌رسد نشانی از امید و حیات را با خود به همراه دارد اکنون این رود خروشان تبدیل به اقیانوسی شده که آرام‌بخش قلب و روح مردمان این سرزمین است مردمانی که همواره چشم به راه یاری رسانی از جانب بسیج هستند. تاریخ فراموش نمی‌کند مجاهدت بی‌مانند این دلاوران را زمانی که اهریمنان قصد تجاوز به حریم ما را داشتند مجاهدت های بی‌سابقه‌ای که بسیج برای پاسداری از تمامیت ارضی ایران عزیز انجام داد در زمانی که سیل یا زلزله قلب های مردم را داغدار

کرد این بسیج بود که همچون نوشدارویی مرهمی بر قلبهای داغدار این ملت شد. به راستی که بسیج لشکر مخلص خداست لشکری که بدون هیچ چشم داشتی فقط به خدمت به جامعه می‌پردازد و اجر خود را از خداوند طلب میکند همانا خداوند متعال نیز پاداش این نهاد مقدس را به بهترین شکل ممکن خواهد داد.

عمران کمال پور



مدرس مردی از سلاله‌ی پاکان و مبارزی وارسته در عصر ظلمت و استبداد، بزرگمردی که اندیشه و عملش پرده زمان و مکان را دریده و از حصر زمان فراتر رفته و مرد روزگاران نام گرفته است. رادمردی که زینت و زیبایی دنیا را با همه گستردگی‌اش به چشم حقارت نگریست، انسانی که به عنوان شاخص‌ترین نماینده مجلس پس از انقلاب مشروطه در مدت پنج دوره حضور در مجلس توانست نقشی گرانقدر ایفا کند. و با درخشش کم نظیرش اسوه‌ی مجاهدان خلف شد. او در صحنه فعالیت سیاسی از هوشیاری و زیرکی خاصی برخوردار بود به همین جهت بود که هیچگاه فریب مکرهای مکاران را نخورد. آن قدر در راه آزادی، عدالت اجتماعی و اجرای احکام اسلامی پافشاری کرد که به حبس افتاد و زهر شهادت نوشید و در حال عبادت جان سپرد. او مانند هر آزاده‌ای مرگ تن را بر مرگ شخصیت ترجیح داد از این رو یادش همیشه زنده و ارزنده تاریخ است. او یادگار و سمبل روزهای پر شور و هیجان مشروطه بود، یادگاری از روزهای اوج و قرب و احترام و منزلت مجلس شورای ملی بود. این نوشتار اشاره‌ای کوتاه به زندگی ابرمردی است که بیرق مبارزه را تنها در تنگنا به دوش کشید و شجاعت تحسین برانگیزش چشم بداندیشان و زمامداران خودسر را خیره ساخت و بیگانگان را به تحیر واداشت.

سید حسن مدرس متولد ۱۲۴۹ هجری شمسی، فقیه و سیاستمدار شیعی بود. مدرس از علمای اصفهان در دوران مشروطه بود که به حمایت از مشروطه‌خواهان پرداخت. وی در دوره دوم مجلس، از طرف فقها به عنوان یکی از مجتهدانی تعیین شد که طبق قانون اساسی مشروطه می‌بایست بر هماهنگی مصوبات مجلس با شرع اسلام نظارت داشته باشند. او از دوره سوم تا دوره ششم نیز برای چهار دوره نماینده مردم تهران در مجلس شورای ملی بود. در دوره جنگ جهانی اول، کمیته دفاع ملی را تشکیل داد و به قم مهاجرت کرد. سید حسن مدرس با اقدامات رضاخان مخالفت می‌کرد. سید حسن مدرس در سال ۱۳۰۵ مورد سوء قصد قرار گرفت و از ترور جان سالم به در برد. مدرس در جریان قیام نورالله نجفی اصفهانی در دیماه ۱۳۰۵ شمسی در قم علیه اقدامات رضاشاه طی تلگرافی از قیام ایشان حمایت کرد. رضاخان در ۱۶ مهر ۱۳۰۷ وی را دستگیر و به دامغان و مشهد و سپس به خواف تبعید کرد. مدرس ۷ سال در خواف توسط مأموران زیر نظر بود و در ۲۲ مهر ۱۳۱۶ از خواف به کاشمر منتقل شد. مدرس در شب ۱۰ آذر ۱۳۱۶ برابر با ۲۷ رمضان ۱۳۵۶ (قمری) به طرز مشکوکی درگذشت. گفته می‌شود در شب دهم آذر ۱۳۱۶ در پایان یک روز از ماه رمضان و در حالی که آیت الله مدرس به انتظار افطار نشسته بود، مأموران شهربانی او را در محل اقامتش با چای مسموم کرده و سپس با عمامه‌اش وی را خفه کرده و به شهادت رساندند. قبر مدرس پس از شهریور ۱۳۲۰ و خروج رضا شاه از ایران، توسط اهالی محل مشخص شد. آرامگاه وی در شهر کاشمر واقع است و در سال ۱۳۶۳ شمسی به جای مقبره کوچک قبلی ساخته شد.

در مسیر تربیت

چند راهکار اثر بخش برای کلاسهای چند پایه

هر کودکی حق دارد که از آموزش بهره مند گردد. لذا کلاسهای چند پایه فرصت یادگیری برای بسیاری از کودکان مناطق روستایی و عشایری را فراهم می آورد.

مدارس چند پایه به دلایل کاهش جمعیت و مهاجرت به شهر و موقعیت جغرافیایی قابل توسعه نمی باشند. تدریس در کلاس های چند پایه یکی از روشهای آموزشی است که می تواند نیازهای بسیاری از افراد واجب التعلیم را تامین نماید. تدریس در این کلاس ها نیازمند برخورداری از مهارتهای ویژه و روش های مناسب سازماندهی کلاسی است. بسیاری، کلاس های چند پایه را معضل می دانند و مشکلات متعددی وجود دارد که این کلاس بازده خوبی ندارد، این مشکلات به دو بخش آموزشی و فیزیکی تقسیم می شود.

راهکارهای فعالیت ها در زمینه کلاسهای چند پایه:

۱- تشکیل دوره های ضمن خدمت برای معلمان در خصوص آشنایی با فناوری های نوین و مهارت های رایانه ای و دوره های بازآموزی

۲- بخشی از کمک های خیرین مدرسه ساز برای هوشمند سازی مدارس محروم و روستایی، هزینه شود و خیرین مدرسه ساز برای سرمایه گذاری قسمتی از سرمایه شان در این بخش ترغیب شوند.

۳- معلمان چند پایه ای، کوشا و فعال در عرصه ی تجهیز مدارس به این فناوری ها و هوشمند سازی مدارس چند پایه مورد تقدیر



قرار گیرند و به سایرین نمایانده شوند تا مشوقی برای دیگر همکاران علاقه مند شوند.

۴- برپایی جلسات هم اندیشی معلمان چند پایه و بحث و تبادل نظر در خصوص اقدامات انجام شده در راستای کیفیت بخشی به مدارس چند پایه و انتقال تجارب ارزنده همکاران

۵- شناسایی دانش آموزان تیز هوش مدارس ابتدایی روستایی و تشویق آنان برای تحصیل در مدارس خاص

۶- بهره گیری مناسب از تعطیلی روزهای پنج شنبه (هم برای معلمان و هم برای دانش آموزان) با تشکیل کلاسهای قرآن، فوق برنامه یا آموزشی و برپایی جلسات هم اندیشی و نشست های صمیمی همکاران.

۷- مدارس چند پایه و تراکم دانش آموزی آنان، مد نظر قرار گیرند و به مدارس که دانش آموزان مرزی یا با نیازهای ویژه و دانش آموزان پایه ی ششم ابتدایی را توامان دارند، پس از بررسی در کارگروه تخصصی، معلم اضافه اختصاص یابد.

۸- کلاس آمادگی حداقل یکماهه، برای دانش آموزان قبل از ورود به مدرسه در مناطق دو زبانه و چند پایه، بصورت مشارکتی اولیا و اداره، حتما در نظر گرفته شود.

۹- استفاده از نقش راهبر برجسته و متبحر و آگاه به مسائل آموزشی پایه های مختلف تحصیلی و مورد قبول معلمان چند پایه. چرا که بعضا "معلمان چند پایه بومی در روستاها دارای سابقه های تدریس نسبتا" بالایی می باشند. (انتخاب راهبر آموزشی از بین معلمان چند پایه، به دلیل اشرافیت بر کل پایه ها، اولویت داشته باشد.)

۱۰- از نقش مدیران مجتمع های روستایی و معاونان آنان نیز بیشتر و بهتر استفاده شود. (مدیر مجتمع صرفا "فردی نباشد که کارش رساندن بخشنامه ها بصورت صرف باشد.) لذا از معلمان چند پایه ی صاحب ذوق و سلیقه و مشتاق برای مدیریت مجتمع های روستایی که اکثریت مدارس تحت پوشش آنها مدارس ابتدایی است، استفاده شود.

سعيد حسینی 



زندگی به سبک شهیدا



محل تولد: بیر جند

تاریخ شهادت: ۲۰ مهر ماه ۱۳۶۱

محل شهادت: فکه

حسین احمدی پور



شهید احمد آتش دست در سال ۱۳۳۹ در خانواده متدین، در روستای خونیک از توابع شهرستان نهبندان

به دنیا آمد و از آنجا که استعداد سرشاری برخوردار بود هم زمان با آغاز تحصیل در دبستان به آموختن قرآن

مجید پرداخت و در مدت کوتاهی با مفاهیم این کتاب آسمانی آشنا شد. پس از طی دوران ابتدایی و راهنمایی وارد

دبیرستان شد و در همین اوان افتخار آشنایی را حضرت آیت الله خامنه ای رهبر معظم انقلاب اسلامی که در آن زمان

به علت تبعید در ایران شهر به سر می برد نصیب وی گردید. این موهبت غیرمنتظره ای برای احمد که نوجوانی

فرهیخته و با کمال بود راه سعادت و خوشبختی را گشود و با تلمذ در محضر آن استاد نابغه آنچه را که می باید

آموخت و در اندک زمانی در صف اول مبارزه با رژیم طاغوت قرار گرفت و در استان سیستان و بلوچستان زبانزد خاص

و عام گردید. او بارها از سوی ساواک مورد آزار و اذیت و شکنجه واقع شد اما هر بار مصمم تر از مرتبه قبل در صحنه

مبارزه حاضر بود. پس از پایان تحصیلات متوسطه وارد دانشکده پزشکی اصفهان گردید و محیط دانشگاه برای احمد

موقعیت مناسبی ایجاد نمود که فعالیتهای سیاسی اش را گسترش دهد. وی پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تعطیلی

دانشگاه ها فعالیت های اجتماعی خود را در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بسیج، جهاد سازندگی و امور تربیتی

آموزش و پرورش آغاز نمود و این در حالی بود که همچنان از استاد و رهبرش پیوسته الهام می گرفت. پس از

بازگشایی دانشگاهها برای ادامه تحصیل به اصفهان مراجعت نمود ولی با شروع جنگ تحمیلی بارها عازم جبهه

های نبرد حق علیه باطل شد و با رشادتهای دلیرانه خود افتخارات بسیاری را کسب نمود. چهل روز قبل

از شهادتش سعادت آن را یافت که در بیت مقام معظم رهبری صیغه عقد و ازدواجش با یکی از

دانشجویان همفکر و هم مرامش به وسیله حضرت آیت الله خامنه ای جاری گردد. پس از

مراسم ازدواج برای آخرین دیدار با خانواده خود، عازم ایران شهر شد.

وصیت نامه: شما هم تلاش کنید راه حق را دوست بدارید همانطور که دوست دارد و با راه باطل مخالفت کنید. احمد همین را از شما می خواهد. خدا هم که می دانید خیلی بزرگ است اگر احمد نیست خدا هست که قدرتش خیلی بیشتر از ماهاست و او بهترین یاور و نگهدارست. مسعود جان و زهرا جان برادران آدم ترسویی نبود که بتواند در کنجی بخزد و بنابراین شما هم در زندگی ترسو نباشید. ادب و اخلاق اسلامی را همیشه رعایت کنید.

من معتقدم که تا انسان خدا را نشناخته و رابطه‌ی خود را با او و با جهان هستی لمس نکرده است مشکلات و مسائل و بدبختی‌های در زندگی فراوان است و او را محاصره کرده است. اما از لحظه‌ای که خود را در ارتباط با خدا شناخت یکدفعه آزاد می شود. دیگر هر مشکلی برایش در ارتباط با خدا مطرح است و آنوقت دیگر مشکلی نیست و گذشتن از چیزهایی که اصلاً مال ما نیست بلکه مال خود او (الله) است خیلی ساده است به شرطی که این را انسان بفهمد.

هدفم کاملاً روشن است این را بیشتر برای آن نادانانی می گویم که هنوز با حرف‌های پوچ و توخالی‌شان ما را در بهترین تعبیرشان دیوانه می دانند. حال می خواهم به آنها بگویم آری اگر دفاع از حق، دفاع از اسلام، دفاع از انسانیت، دفاع از شرف و عزت، دفاع از آزادی دیوانگی است با کمال افتخار این دیوانگی را می پذیرم. و دشمن غداره بند کثیف را به خاک ذلت و سیاهی می نشانیم. پس هدف ما روشن است در یک حرکت مستمر (ان الحیاه عقیده و جهاد) به موانعی در این راه برخوردیم و ناچار باید وظیفه خود را در مقابل آن انجام بدهیم. این موانع باید برداشته شود و ما برای برداشتن این موانع از راه خدا مایه می گذاریم البته نه از خودمان بلکه از همان که ممانعت‌هایی را داده است. ما مسلمان هستیم و مسلمان هم فقط در مقابل خدا تسلیم است. شهادت برای ما هدف نیست. شهادت یک وسیله است آری ما تریج می دهیم دشمن زبون را خرد و نابود کنیم اگر خود به شهادت رسیدیم هیچ مسئله‌ای نیست. راه برای پیروزی مسلمانان باز خواهد شد. شهید در مکتب ما زنده و شاهد است.

اهمیت دانش آموز



از منظر مقام معظم رهبری



مصطفی عباسجو



مناسب؛ سلامت معنوی و قلبی را هم با توجّه به خدا، با نماز، با دعا، با توسّل، با یاد شهدا؛ سلامت فکری را هم با کتاب خوانی تأمین کنید؛ از کتابهای خوب، راه‌گشا، راهنما - که از سوی متفکران و نویسندگان خوب ما تهیّه شده و در اختیار ما گذاشته شده - استفاده کنید و بخوانید. این موجب می‌شود که نسل نوجوان ما، هم سلامت جسمی داشته باشد، هم سلامت معنوی و روحی داشته باشد، هم سلامت فکری و عقلانی داشته باشد؛ آن وقت این، آینده‌ی کشور را تأمین میکند.

عزیزان من! امروز شما از دوران کودکی و بچّه بودن خارج شدید؛ امروز شما نوجوانید، در آغاز جوانی هستید، در حال شکوفایی هستید؛ استعداد شما امروز برای فراگیری و برای خودسازی خیلی زیاد است؛ از این فرصت استفاده کنید، خودسازی کنید؛ هم خودسازی جسمی، هم خودسازی معنوی و روحی، هم خودسازی فکری، با همان ترتیبی که عرض کردم. بعد از آنکه شما نوجوانان عزیز در این میدان با عظمت و در این بهار با طراوت نوجوانی، حرکت درست را انجام دادید، آن وقت انسان می‌تواند مطمئن باشد که فردای این کشور، فردای بهتر از امروز است؛ شما مردان فردا، مدیران فردا، فعالان فردا، و شخصیت‌های فردا هستید. فردای این کشور متعلّق به شما نوجوانان است؛ شماها هستید که این کشور و این ملت را و این حرکت را و این تاریخ را اداره خواهید کرد؛ خودتان را برای آن روز آماده کنید. (بیانات در مراسم جشن تکلیف دانش‌آموزان ۲۳ آذر ۱۳۹۵)

عزیزان من! امروز ملت ما و کشور ما دشمنانی دارد؛ دشمنانی که سعی می‌کنند از هر راهی برای نفوذ در کشور و تسلّط بر این کشور استفاده کنند؛ تسلّط اقتصادی، تسلّط سیاسی، تسلّط فرهنگی. یکی از راه‌هایی که آنها در پیش می‌گیرند، نفوذ در جوانان ما و نوجوانان ما است؛ متوجّه این نفوذ باشید. سعی کنید به خودتان مصونیت ببخشید؛ نه فقط به خودتان، [بلکه] به پیرامونیان خودتان - به کسانی که با آنها هم‌کلاس هستید، هم‌درس هستید، هم‌بازی هستید - در مقابل دشمنان مصونیت ببخشید. با دانش،

خودتان را مجهّز کنید؛ من توصیه

می‌کنم به همه‌ی شما جوانان

عزیز که درس خواندن را جدّی

بگیرید. توصیه‌ی دیگر من این

است، ورزش و سلامت جسمانی را

هم جدّی بگیرید؛ امروز جوانهای

ما بایستی، هم سلامت جسمی، و

هم سلامت معنوی، و هم سلامت

فکری را با هم داشته باشند و برای

خودشان

نگه دارند.

سلامت

جسمی را با

ورزش و با

تغذیه



باید به فکر آن روز [آینده] بود و آن روز دست شماست؛ دست آموزش و پرورش، دست معلمان و مربیان است. شما هستید که باید امروز، آن روز را ترسیم کنید. با چی؟ با تربیت جوان. شما این عامل و این گلوله را پرتاب می‌کنید؛ خودش به هدف می‌خورد. شما باید ماشه را بچکانید و این، همین کار تربیتی است که شما باید امروز انجام بدهید. دانش‌آموزان نونهالی که در اختیار دستگاه فرهنگی کشور قرار دارند، عزیزترین و سرشارترین سرمایه و ذخیره‌ی آینده‌ی این ملتند.

در بلندمدت، هیچ چیز به اندازه‌ی تعلیم و تربیت اهمیت ندارد. در محیط آموزش و پرورش باید کاری بشود که حتی يك استعداد، از میان این میلیون‌ها نوجوان و جوان ایرانی هدر نرود. شما مسئولان آموزش و پرورش، به حیث این‌که معلمان و برنامه‌ها و بقیه‌ی ابزار و ادوات کار در اختیار شماست، اولین سنگ بناهای شخصیت فکری هر موجود بشری را که در این کشور پهناور و بزرگ رو به رشد است، دارید می‌گذارید.

آینده‌ی مملکت در دست دانش‌آموزان است. این‌که من روی مسائل مربوط به دانش‌آموز و آموزش و پرورش و مسائل تحصیل و تربیت، این همه تکیه می‌کنم و هرجا و با هر کسی که احساس بکنم به نحوی با مسائل تعلیم و تربیت ربط دارد ارتباط برقرار می‌کنم و نظرم را می‌گویم، دنبال کار را می‌گیرم، به خاطر این است که من از آینده‌ی می‌ترسم. دانش‌آموزان نونهالی که در اختیار دستگاه فرهنگی کشور قرار دارند، عزیزترین و سرشارترین سرمایه و ذخیره‌ی آینده‌ی این ملتند. سربازان حقیقی انقلاب شما هستید و انقلاب، چشم‌انتظار شماست.

قدر تعلیم و تربیت و معلمی که يك سنگر فرهنگی است را بدانید. مردم هم، قدر معلمان تعلیم و تربیت را بدانند. من به شما فرهنگیان عزیز می‌گویم که مسئله‌ی فرهنگ و تعلیم و تربیت، مسئله‌ی اول در نظام ماست. امروز دشمنان نمی‌خواهند دانشگاه و درس و مدرسه و معلم باشد. از منظر رهبر معظم انقلاب گام دوم بیش از هر چیز دیگر متکی بر ایمان، اراده و امید جوانان مؤمن انقلابی است.

به همین جهت بر جوانان انقلابی لازم است تمامی ابعاد، الزامات و اقتضائات این بیانیه به عنوان نقشه راه مسیر پیش روی قرار دهند تا انقلاب اسلامی تبیین گردد که در این راه آموزش و پرورش رسالت سنگین و مهمی بر عهده دارد.

دبیرخانه دائمی گام دوم انقلاب اسلامی نیز در وزارت آموزش و پرورش تشکیل و فعال شد و طی حکمی از سوی معاون پرورشی و فرهنگی وزارت آموزش و پرورش، حسین تاریخی دبیرکل اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان به سمت مسئول دبیرخانه گام دوم انقلاب اسلامی منصوب شد.

این دبیرخانه به منظور مشارکت هرچه بیشتر تشکل‌های دانش‌آموزی در تبیین و اجرای توصیه‌های مهم رهبر معظم انقلاب در این بیانیه با استفاده از ظرفیت‌های موجود فعالیت خود را آغاز کرده است.

جوانان و آینده‌سازان ایران اسلامی نقش اساسی و انکارناپذیر در تحقق بیانیه و رهنمودهای رهبر معظم انقلاب اسلامی با عنوان گام دوم انقلاب دارند که سپردن کار به جوان‌ها، روح تازه‌ای به فضای سیاسی و اجتماعی کشور می‌بخشد.

اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان در این راستا نهادی اصیل، ریشه دار در جریان‌سازی فرهنگی، علمی و مرکز زبده‌یابی و زبده‌پروری است و با استفاده از ظرفیت‌ها و استعدادها گام‌های متعالی را در این مسیر برداشته است.

در این راستا اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان اقداماتی با اهداف بزرگ برای جاری‌سازی این بیانیه در بین دانش‌آموزان انجام داده است.

جوانان انقلابی باید با تک‌تک کلمات و منظومه این بیانیه انس بگیرند، چرا که این بیانیه نقشه راه آینده انقلاب اسلامی است. جوانان و آینده‌سازان ایران اسلامی نقش اساسی و انکارناپذیر در تحقق بیانیه و رهنمودهای رهبر معظم انقلاب اسلامی با عنوان گام دوم انقلاب دارند.

مصاحبه دانشجوی

پای صحبت آقای محمودی، پرستار ۲۳ ساله بخش ICU کرونا بیمارستان ولیعصر بیرجند

محمد جواد رضوانی

خسته نباشین، می‌شه بگین از کی وارد این کار شدین؟ و این که چی شد به این شغل روی آوردین؟ و یک توضیحی درباره شغل پرستاری بدین. ممنون.

از مرداد ۱۴۰۰ وارد حوزه کاری شدم و تا کنون نیز در بخش کرونا مشغول به کار هستم. پرستاری را به عنوان علاقه انتخاب نکردم چون پزشکی می‌خواستم و بعد از ۲ سال پشت کنکور بودن به این رشته آمدم. پس از گرفتن لیسانس با معدل الف از دانشگاه شاهرود برای سربازی به شیراز و سپس به بیرجند رفتم و پس از آن به سرکار آمدم. به این علت ارشد نخواندم چون در رشته‌ی مارفتن به سرکار مهمتر از تحصیلات است.

اخلاقم طوری است که دوست ندارم کسی ناراحت باشد. چه آن نفر دوستم باشد یا بیمارم یا از اعضای خانواده. و همین اخلاق باعث می‌شود کارم را از سرم باز نکنم و در حد توانم کارم را با دقت انجام دهم.

شغل پرستاری در کنار تمام معایبش مانند فرسودگی جسمی و روحی، مزایایی نیز دارد مثل اینکه ببینی مریضی حالش خوب شده است. به عنوان مثال ما یک بیمار از مهاجران افغان داشتیم که بعد از ۵ روز مرخص شد و با مرخص شدن ایشان خستگی همه‌ی ما نیز رفت. شاید یکی از دلایلی که باعث شده به فکر ادامه تحصیل افتاده باشم این باشد که یک دعای مریض و سرحالی او بسیار ارزشمند است. البته مریض‌هایی بودند که جوان بودند و در بدو ورود حالشان خوب بود اما به تدریج حتی فوت شدند. اما مریض‌هایی که با حال بد می‌آیند و با حال خوب می‌روند و اینها روی بچه‌های بخش تاثیرگذار و امید بخش است. به هر حال با وجود دل‌سردی‌ها به این کار علاقه مند هستم. هرچند نسبت حقوقمان به پزشکان خیلی کمتر است اما همان دعای مریض باعث دلگرمی ماست.

خیلی هم عالی. حالا بخت تقریباً می‌شه گفت شما با شروع کرونا اومدی سرکار و بخت انگار از همون اول با این بیماری شغلت رو شروع کردی. توی این مدت اتفاق خیلی مهمی افتاده توی شغلت که خیلی تاثیر روت بذاره؟ حالا اتفاق خوب یا بد فرقی نداره. و اینکه به نظر شما به کی واقعا



میگن پرستار؟ به پرستار واقعا چه ویژگی باید داشته باشه؟

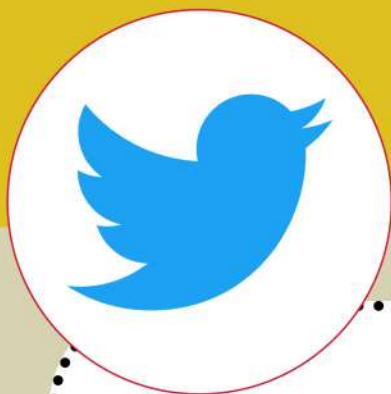
اتفاقات بد و خوب که ۱۰۰ درصد زیاد افتاده اما اگر بشه به موردی اشاره کرد برای اتفاق بد، مثلاً از دست دادن بیماران با حال خوب یا سن کم. اتفاق خوب هم مثل پسر ۲۳ روزه ای که اینجا بستری بود و سپس مرخص شد و به آغوش مادرش برگشت. اتفاق بد نیز مثل عدم توجه کافی به بخش کرونا. روی من و تمام بچه های بخش این اتفاقات تاثیر می‌گذارد. اما به طور کلی حال خوب بیماران است که حال ما را خوب می‌کند. پرستار... پرستار باید از خود گذشته باشد. مخصوصاً پرستار کووید. چون می‌دانی در محلی می‌روی که احتمال بیماری بالاست و باید از خودت بگذری و اینکه بروی بالای سر بیماری که میدانی ۱۰۰ درصد درگیر است و ممکن است خودت هم درگیر شوی. در پرستاری، آن تایم (سروقت) بودن و دقت داشتن خیلی مهم است. چیزی که می‌گویند این است که خوش رویی نیز مهم است چون روی حال بیمار نیز تاثیر می‌گذارد.

اگر حرفی، نکته ای، صحبتی در مورد شغلتون هست که دوست داشتن بگین و مونده بفرمایید.

خیلی خیلی هم ممنونم که وقت گذاشتید و خب استفاده کردم. ممنونم.

خیلی ممنون. خدا نگهدار.

#توئیت_گردی



حمید رفیعی
@hamidrafiee7

اداره آموزش و پرورش منطقه ما به بسیاری از مغازه ها، تعمیرگاه ها و ... بدهی دارد. به حدی که هیچ تعمیرکاری انجام سرویس خودرو های اداره را انجام نداده و یک مغازه نیز کارتریج های مدارس را به علت طلب از اداره گرو گرفته است.

Hosein
@Hosein_sistani

1/2 بی شک منابع انسانی، مهم ترین و اصلی ترین ظرفیت توسعه هستند. یکی از چالش/فرصت های آموزش و پرورش در یک دهه پیش رو «فرآیند تغییر نسل معلمان» است.

حمیدرضا قائم پناه
@h_ghaempanah_ir

البته انتظار می رفت و بهتر آن بود که **#روز_دانشجو** را در جمع دانشجومعلمان **#دانشگاه_فرهنگیان** به عنوان نسل نوی معلمی، تبریک بگویید و پای دغدغه ها و صحبت هایشان بنشینید.

جوادی آملی
@ajavadiamoli

نخستین روز جهل انسان وقتی است که ادعا کند، فارغ التحصیل شده است، از این رو همه باید برای تحصیل علم و معرفت تلاش کنند.

مجتبی همتی فر
@Sheffajoo

برخی به عنوان حمایت از حقوق معلمان نسبت به هر کسی که از چالش های تربیتی و جامعه فرهنگیان سخن بگوید و عمداً یا سهواً به «معیشت» اشاره نکند، توهین می کنند و ناسزا می گویند. این ها به واقع «معلم» نیستند و در پاسخشان هم فقط باید «سلام» کرد!

sajjad sedighi
@SajjadSedighi

بنظر می آید جهت **#رتبه_بندی**، حقوق اساتید دانشگاه، باید معادل ۸۰ درصد معلمین عزیز باشد و نه بالعکس. طبیعتاً به شأن باشد، شأن معلم والاتر از مدرس است.

لایحه_رتبه_بندی_#

بیایه حاج

ابوالفضل جلالیان 

صبح جمعه سیزدهم دی ماه سال یک هزار سیصد و نود هشت طبق معمول جمعه ها که به جبران روزهای کاری گذشته بیشتر می خوابیدم ساعت 9 از خواب بیدار شدم و از روی عادت تلویزیون را روشن کردم صحبت های مجری توجهم را جلب کرد از سردار دلها حاج قاسم سلیمانی می گفت زیر نویس شبکه یک خبر فوری کار می کرد. چشمم می دید، مغزم درک میکرد اما دلم... دلم گوشش بدهکار نبود نمی خواست چیزی را که می بیند باور کند. به سرعت سراغ شبکه خبر رفتم؛ خبر درست بود و به غایت تلخ. اشک هایم بی اختیار روانه گونه ام شده بود در بهت فرو رفته بودم به حدی که صدای مادرم را نمی شنیدم که: ابوالفضل خوبی؟ چی شده؟ زبانم می خواست شرح واقعه را بیان کند اما دلم... دلم مانع می شد حق هم داشت آخر سردارش را از دست داده بود لحظات سختی بود کنترل تن از دست مغزم در رفته بود و دل مرا مدیریت می کرد صبحم به شبی تاریک مبدل شده به هر زحمتی بود ماجرا را برای پدر و مادرم تعریف کردم و حالا... ز طرفی پیام قاطع رهبر فرزانه ام گرما بخش دل بی قرارم شد که: ملت عزیز ایران! سردار بزرگ و پرافتخار اسلام آسمانی شد و وعده انتقام سخت که ذکر





لحظه لحظه‌ام شده بود بعد از صلاة ظهر بود درایت رهبرم سردار قآنی را جایگزین علمدار ولایت کرد تا به دشمنان کوردل ثابت کند این مرزو بوم پراز سلیمانی هاست هر چند این خبر مرحمی بود بردل زخم خورده‌ام اما مرحم اصلی انتقام بود انتقام سخت...

جمعه را با پیگیری اخبار و فکر انتقام به شب رساندم؛ اواخر شب ترامپ ملعون که در پوست خود نمی گنجید با خوشحالی تمام مسئولیت ترور حاج قاسم ما را برعهده گرفت هرکسی جای او بود همین حال را داشت بالاخره ترور شخص اول امنیت در منطقه، کسی که نسخه داعش را دو ماهه پیچید و صد البته فرمانده سپاه قدس باعث می شد ترامپ حتی حفظ ظاهر را فراموش کند و به این نقض علنی قوانین بین الملل اعتراف کند. خون جلو چشمم را گرفته بود، با چشم خون بار به رخت خواب رفتم و با فکر انتقام خوابیدم.

صبح ها به شوق انتقام بیدار میشدم و شب ها به امید آن به بالین می رفتم. پیگیر اخبار بودم سنگ بزرگ ۵۲ نقطه ای در دست آمریکا و شوق انتقام در دل ایران و ایرانی را به راحتی مشاهده می کردم، البته که دیدن این شوق در جان ملت ایران کاری هم نداشت فقط لازم بود سرچ کنم: #انتقام_سخت

لحظه موعود فرا رسید صبح هجدهم رویای شب و روزم به واقعیت پیوست؛ صبح زود از خواب بیدار شدم که با خبر: عین الاسد، عین الجسد شد روبه رو شدم و زیر لب خواندم:

إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ مُنتَقِمُونَ (سوره سجده ۲۲)

کعافه کتاب

علی جان نثارمقدم

کتاب اثر مرکب نوشته‌ی دارن هاردی

یکی از بهترین کتابهای توسعه فردی است که به پیشرفت شما کمک بسیار می‌کند. این کتاب در سراسر دنیا جزو پرفروش‌ترین کتاب‌هاست. اگر دوست دارید از تاثیر رفتارها و اعمال کوچک بر زندگی آگاه شوید و سرنوشت خودتان را عوض کنید، حتماً کتاب اثر مرکب را مطالعه کنید. نویسنده کتاب اثر مرکب دارن هاردی یکی از سخنرانان انگیزشی بسیار معروف در آمریکا است. او کار خود را از ۱۸ سالگی شروع کرد و به سرعت در کسب و کار خود موفق شد و در ۲۷ سالگی بیشتر از ۵۰ میلیون دلار ثروت اندوخت.

همچنین وی ناشر و دبیر مجله موفقیت در آمریکا می‌باشد او یکی از کارآفرینان بزرگ است که با صدها نفر افراد مشهور و موفق از جمله ریچارد برانسون، استیو جابز، وارن بافت، دونالد ترامپ، هوارد اشولتز، چارلز شواب، جف بزوس و... مصاحبه کرده است. به گفته خودش او اسرار موفقیت در زندگی را کشف کرده است و آنها را به زبانی ساده در اختیار عموم افراد قرار می‌دهد. این کتاب دارای شش فصل و یک مقدمه و یک نتیجه‌گیری است که در هر یک از این فصول یک

اصل از موفقیت را شرح می‌دهد. چرا باید کتاب اثر مرکب را بخوانم؟

می‌خواهید از آنچه که امروز هستید موفق‌تر شوید؟

حتی موفق‌تر از آنچه تا به حال تصور می‌کردید که امکان دارد؟ این کتاب در همین زمینه است به دست آوردن موفقیتی فراتر از تصور این کتاب درباره‌ی مطالبی است که واقعاً مهم هستند و هیچ‌گونه مطالب اضافی و بیهوده‌ای در آن وجود ندارد چه چیزهایی واقعاً کارساز واقع می‌شوند و به کار می‌آیند؟

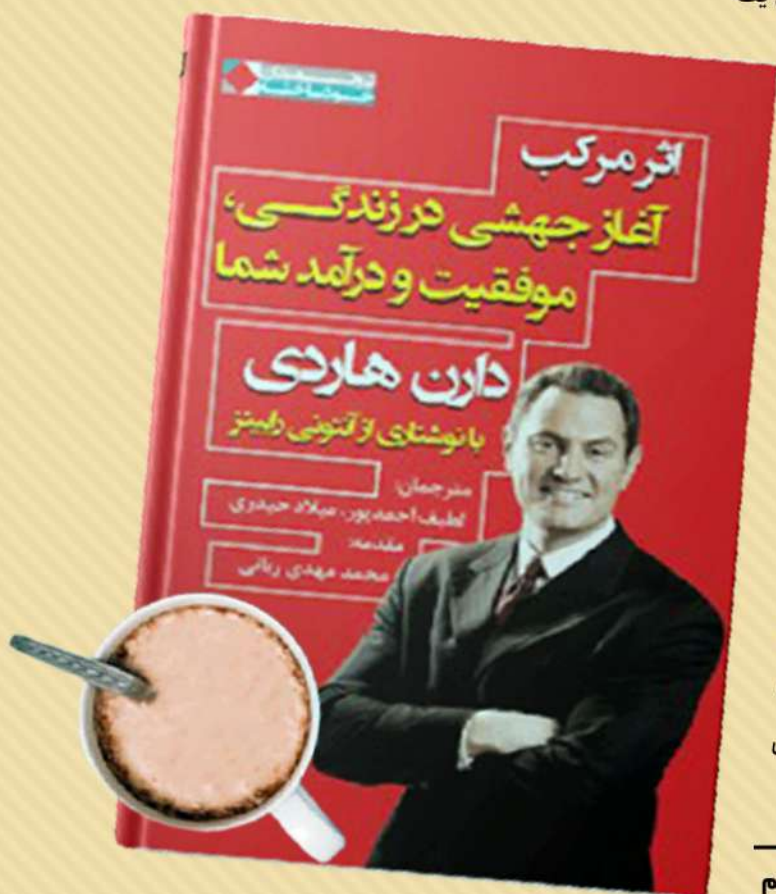
کدام اصول اولیه و اساسی هستند که وقتی روی آن‌ها متمرکز شوید و مهارت پیدا کنید سیستم عاملی را به وجود می‌آورند که می‌تواند شما را به اهداف مورد نظرتان برساند و به شما کمک کند تا به شیوه‌ی دلخواهتان زندگی کنید؟

در این کتاب همان اصول وجود دارد آن‌ها سیستم عاملی را ایجاد می‌کنند به نام اثر مرکب قبل از این که ادامه‌ی کتاب را بخوانید یک هشدار می‌دهم کسب موفقیت سخت است این فرآیند پرزحمت، ملال‌آور و بعضی وقت‌ها حتی

خسته‌کننده است پولدار شدن، نافذ و جهانی شدن در رشته و زمینه خودتان، آهسته و دشوار اتفاق می‌افتد اشتباه برداشت نکنید با پیروی از این اصول و مراحل، تقریباً بلافاصله نتایج آن را در زندگیتان می‌بینید. البته اگر یک کارت اعتباری پر از پول دارید حرف آخر این که شما همین حالا تقریباً تمام چیزهایی را که برای موفقیت می‌خواهید می‌دانید شما به یادگیری چیزهای بیشتر احتیاجی ندارید اگر کل چیزی که می‌خواهیم داشتن اطلاعات بیشتر بود پس هرکسی که به اینترنت دسترسی دارد باید در یک عمارت مجلل زندگی کند و

عضلاتی پولادین داشته و کاملاً خوشحال و سعادتمند باشد.

اطلاعات جدید یا بیشتر چیزی نیست که شما به آن احتیاج دارید بلکه شما یک برنامه‌ی عملی جدید می‌خواهید وقت آن رسیده که رفتارها و عادت‌های جدیدی را در خودتان خلق کنید که شما را از کارشکنی و خرابکاری دور کند و ببرد به سمت موفقیت.





کافه سینما



سینمایی «مشق شب» به کارگردانی عباس کیارستمی

کارنامه‌ی سینمایی عباس کیارستمی حکایت از توجه ویژه‌ی او به تعلیم و تربیت و نظام آموزشی کشور دارد و اغراق نیست اگر او را کارگردان سینمای کودک در ایران و پدر سینمای کودک ایران بنامیم. فیلم «مشق شب» او نیز در سال ۶۶۳۱ ساخته شد و بحث‌ها و نقد‌های بسیاری را برانگیخت. فیلم در نوع خود با یک نگاه جدید و تابو شکنانه به سراغ دانش‌آموزان رفته بود تا یکی از روش‌های آموزشی در نظام آموزش و پرورش را به چالش بکشد. بخش عمده‌ی فیلم اتاق گفت‌وگوی کیارستمی است با دانش‌آموزان. دانش‌آموزانی که از تکلیف مشق شب و نحوه‌ی انجام آن در خانه و همراهی یا عدم همراهی پدر و مادرهایشان می‌گویند و از این طریق اطلاعاتی نیز از وضعیت خانواده‌های خود به بیننده می‌دهند. فیلم در یک بستر کاملاً رئال و واقعی ساخته شده است و کیارستمی فقط نقش هدایت کننده و درحقیقت تدوین گر را در فیلم برعهده دارد. دانش‌آموزان در برابر پرسش‌های کیارستمی در مورد حجم تکلیف شب، چگونگی انجام تکلیف شب و رضایت یا عدم رضایت خود از این نوع شیوه‌ی آموزش عکس‌العملها و پاسخ‌های متفاوتی دارند. در فیلم؛ غالب دانش‌آموزان را مضطرب، نگران، فاقد اعتماد به نفس، محروم از همراهی یا همکاری والدین، درگیر مشکلات بزرگترها، بی‌تاب و ناآرام می‌بینیم به طوری که در سکانسی از فیلم مشاهده می‌کنیم که یکی از دانش‌آموزان حتی به تنهایی نمی‌تواند در جلوی دوربین بایستد و به پرسش‌های کیارستمی پاسخ دهد و اضطراب شدید او باعث می‌شود که کیارستمی از دوستش بخواهد تا به نزد او آمده تا آن دانش‌آموز قدرت و جرئت بیان کلمات را بیابد. به نظر می‌رسد کیارستمی این فیلم را با نیت نقد و اعتراض نامه‌ای بلند و جسورانه علیه تحقیر و تخفیف و لگدمال شدن حقوق زیست کودکان ایران در نظام تعلیم و تربیت ساخته است. کودکانی که در یک چرخه‌ی پادگانی- شبه نظامی و فاقد هرگونه بینش و جهت‌گیری هنری-عاطفی و دنیای کودکانه‌ی آنان برایشان از مفاهیمی می‌گویند که آنان نه توان درک آن را دارند و نه وقت و دوران درک چنین مفاهیمی برایشان است! نگاه تیزبین، عمیق و موشکافانه‌ی کارگردان مؤلف و صاحب سبکی چون کیارستمی با آسیب‌شناسی هنرمندانه چنین روش تباه کننده‌ای را در نظام آموزشی درک و فهم کرده و به تصویر کشیده تا همگان را به داوری چنین ستم فاحشی بر نسلی یا نسلهایی از کودکان این سرزمین فراخواند. فشار و تحمیل و به نوعی تنبیه دانش‌آموزان با شیوه [مشق شب] به خیال تعلیم و تربیت آنان بدون اندیشیدن به عواقب چنین روشی که به دور از هرگونه انعطاف و ذوق کودکانه هست و از آنان ماشین‌هایی مطیع و گوش به فرمان برای تکرار دروس یا جملات و عبارات و شعارها طلب می‌کند کیارستمی را بر آن داشت تا برخلاف گفتمان تحمیلی و خشن دوران به نقد چنین راهبردی اقدام کند و چنین فیلم ماندگار و فاخری از خود به یادگار بگذارد.





ناله‌ی دردها...

نمیدانم؟! چه بگویم؟! اصلاً چگونه بگویم؟! آیا به درکم می‌رسد که بگویم؟! آخر تا ۱۸ که راهی نیست خودت حساب کن. در ذهن من می‌گویی اینجا چگونه ۱۸ ساله کمرش خم میشود. آخر چطور ۱۸ ساله داغ جگر گوشه اش را می‌بیند گاهی می‌شود که حتی خودم را هم نمی‌خواهم. فقط حسرت می‌خورم. به حال این دنیا، چگونه بی‌فاطمه میتواند نفس بکشد آخر چطور زمین به درد نیامد؟! وقتی مادری مقابل فرزندش سیلی خورد. چطور دل آسمان نشکست؟! وقتی که میخ‌های بی‌رحم در درمیان گلشن مولا علی علیه السلام میهمانی گرفتند. چطور این جهان خراب نشد؟! وقتی که مادری با ۱۸ سال سن آرزوی مرگ می‌کرد. داغ‌های روی دلم نشسته است که اگر به گل‌های لاله این دیار بگویی یک لحظه این داغ را در آغوش بگیرند، نمی‌توانند! چگونه با دل سراسر از دردم به یادت نباشم. مادر به چادر خاکی سوگند، تو در قالب کلمات نمی‌گنجی. تو خود الفبای خویش را داری که درکش برای من ناچیز یک رویاست.

مادرم دردهایم را پشت غبار شب پنهان کردم چه سعادت داشت سلمان! که نیمه‌های شب برای بدرقه کردن به دیار آسمان، قدم بگذارد. در خفقان ای که هیچکس جرئتی برای حرف زدن نداشت. تو غوغا کردی مادرم. آخر من با دل غمدیده قلم چه کنم؟! خودت بگو! چگونه صدایت بزنم؟ گوشه‌ای از قلبم سوخته. هر سال دوباره می‌سوزد. به یاد آن غسل نیمه تمام مولایم..... من هیچ ندارم برای گفتن هیچ... هیچ... هیچ.....

تو خود حرفهایم را از دلم بازخوان! دیگر طاقت دل‌های بی‌قرار نیست بخواهد آرامگاهت مخفی بماند. مادر جان. دیگر بس است تهمت‌های بی‌پایان.

بگذارید! مادرم به دردهایش بسوزد چه تلخ است؟! بدون تو دنیایی که از دیدن تو محروم شده است. همه دردهای جهان به یک طرف درد بیماریش در جای خودش باشد....

آخر تا کی باید غریبانه به نظاره بنشینم مطمئنم روزی می‌آید روزی که دور نیست می‌رسد مهدی. معجزه شگفت در راه است. می‌رسد آن روز.....



مردم کے لئے اکثر یا مردمی

مردم کے لئے

دومین سالگرد شہادت
سید سیدہ حاج قاسم سلیمانی
ویاران ایشان



اردوی جهادی عمرانی و فرهنگی روستای «حصارسنگی» / آذرماه ۱۴۰۰



ارتباط با ما:

جهت همکاری و ارتباط با نشریه دانشجوی امروز، معلم فردا:

تماس: ۰۹۱۵۲۶۹۶۴۸۵

نشانی ما در شبکه‌های اجتماعی: @skh_cfu

ایمیل: skhcfuacirlive@gmail.com